

تأثیر فرآیندهای شناختی بر شکل‌گیری نگرش‌های سیاسی رادیکال در میان جوانان

حسن خدادی^۱ | احد نوری اصل^۲

چکیده

رادیکالیسم سیاسی به‌عنوان یکی از چالش‌های مهم جوامع مدرن، تحت تأثیر عوامل متعددی از جمله فرآیندهای شناختی افراد قرار دارد. این پژوهش با هدف بررسی نقش فرآیندهای شناختی در شکل‌گیری نگرش‌های رادیکال سیاسی، به تحلیل تأثیر سوگیری‌های شناختی، ادراک نابرابری، هیجانات سیاسی و نقش رسانه‌های معاند در تقویت گرایش‌های افراطی پرداخته است. روش تحقیق مبتنی بر رویکرد کیفی و تحلیل محتوای داده‌های جمع‌آوری‌شده از منابع علمی و مطالعات میدانی بوده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که افراد با الگوهای شناختی بسته، پردازش اطلاعات قطبی‌شده و تفکر سیاه‌وسفید، بیش از دیگران مستعد پذیرش نگرش‌های رادیکال هستند. علاوه بر این، احساس تهدید، محرومیت نسبی و عدم اعتماد به نهادهای رسمی می‌تواند موجب تشدید این گرایش‌ها شود. همچنین، رسانه‌های معاند و شبکه‌های اجتماعی با بهره‌گیری از سوگیری‌های شناختی و بمباران اطلاعاتی، زمینه را برای تقویت گفتمان‌های افراطی و کاهش اعتماد عمومی به حکومت فراهم می‌کنند. از جمله مهم‌ترین پیامدهای گسترش نگرش‌های رادیکال سیاسی می‌توان به افزایش بی‌ثباتی اجتماعی، تضعیف سرمایه اجتماعی، و تعمیق شکاف‌های سیاسی و فرهنگی اشاره کرد. بر این اساس، مقابله با این پدیده مستلزم ارتقای سواد رسانه‌ای، تقویت تفکر انتقادی، و افزایش شفافیت در سیاست‌گذاری‌های اجتماعی و حکمرانی است. در نهایت، پیشنهاد می‌شود که سیاست‌های فرهنگی و آموزشی در جهت کاهش دوقطبی‌های سیاسی و افزایش حس تعلق اجتماعی تدوین و اجرا شوند.

کلمات کلیدی: رادیکالیسم سیاسی، فرآیندهای شناختی، سوگیری‌های شناختی، رسانه‌های معاند، شکاف اجتماعی، اعتماد سیاسی

شماره (۴)

سال ۲
فصل بهار ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

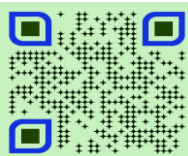
تاریخ دریافت:

۱۴۰۴/۰۱/۱۲

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۰۱/۲۸

صص: ۱۴۴-۱۲۲



^۱ استادیار علوم سیاسی گروه معارف اسلامی، دانشگاه مازنداران، بابلسر، ایران (نویسنده مسئول).

h.khodadi@umz.ac.ir

^۲ دانش آموخته دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. ahad.noori@alumni.ut.ac.ir

استاد: خدادی، حسن و نوری اصل، احد. (۱۴۰۴). تأثیر فرآیندهای شناختی بر شکل‌گیری نگرش‌های سیاسی رادیکال در میان جوانان. شناخت پژوهی مطالعات سیاسی، ۲(۱)، ۱۲۲-۱۴۴.

Khodadi, H. and Nooriasl, A. (2025). The impact of cognitive processes on the formation of radical political attitudes among youth. *Cognitive research of political studies*, 2(1), 122-144



این مقاله تحت لایسنس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License - CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه

رشد گرایش‌های رادیکال سیاسی در میان جوانان یکی از پدیده‌های مهم در جوامع معاصر است که به دلیل پیامدهای امنیتی، اجتماعی و سیاسی آن، توجه گسترده‌ای را به خود جلب کرده است. فرایندهای شناختی، به‌عنوان سازوکارهای ذهنی در پردازش اطلاعات، نقش کلیدی در شکل‌گیری نگرش‌های افراطی ایفا می‌کنند. این فرآیندها شامل نحوه درک، تحلیل، تفسیر و ذخیره اطلاعات در ذهن جوانان هستند که تحت تأثیر عوامل مختلفی مانند روایت‌های رسانه‌ای، محتوای ایدئولوژیک، تجربیات شخصی و شبکه‌های اجتماعی قرار می‌گیرند. در این میان، الگوهای شناختی جوانان که شامل باورهای بنیادی، طرحواره‌های ذهنی و سوگیری‌های شناختی هستند، می‌توانند مسیر گرایش به ایدئولوژی‌های افراطی را هموار کنند. نگرش‌های رادیکال سیاسی اغلب در شرایطی شکل می‌گیرند که جوانان با چالش‌های هویتی، محرومیت اجتماعی یا نابرابری‌های سیاسی مواجه می‌شوند و در این شرایط، پذیرش گفتمان‌های افراطی به‌عنوان پاسخی برای رفع این بحران‌ها، جذابیت بیشتری پیدا می‌کند.

پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که فرآیندهای شناختی چگونه بر شکل‌گیری نگرش‌های رادیکال سیاسی در میان جوانان تأثیر می‌گذارند و چه عواملی در تقویت یا تضعیف این فرایندها نقش دارند؟ فرضیه تحقیق این است که الگوهای شناختی خاص، مانند سوگیری تأییدی، تفکر دوگانه، و پردازش هیجانی، موجب افزایش پذیرش ایدئولوژی‌های افراطی در میان جوانان می‌شوند و این فرآیندها از طریق مواجهه مداوم با روایت‌های قطبی‌کننده، تشدید می‌شوند. در این راستا، تحقیق حاضر با بهره‌گیری از روش نظریه زمینه‌ای (گراندد تنوری) و با استفاده از مصاحبه‌های عمیق و تحلیل داده‌های حاصل از تجربیات پژوهشی نخبگان این عرصه، تلاش دارد الگوهای ذهنی مؤثر در شکل‌گیری نگرش‌های افراطی را شناسایی و تبیین کند. این روش به دلیل رویکرد استقرایی و قابلیت کشف روابط پنهان در داده‌ها، امکان ارائه مدلی جامع از فرایندهای شناختی منتهی به رادیکالیته شدن جوانان را فراهم می‌سازد.

در مرحله گردآوری داده‌ها، از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با جوانان دارای نگرش‌های سیاسی رادیکال، فعالان سیاسی و کارشناسان حوزه شناختی استفاده خواهد شد. داده‌ها به‌صورت نظام‌مند کدگذاری شده و در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی تحلیل خواهند شد تا مفاهیم اصلی و مقوله‌های محوری مرتبط با فرایندهای شناختی و نگرش‌های افراطی استخراج شوند. هدف نهایی تحقیق، ارائه الگویی جامع از عوامل شناختی تأثیرگذار بر رادیکالیته شدن جوانان و ارائه

راهکارهای عملی برای مقابله با گسترش ایدئولوژی‌های افراطی در میان این گروه سنی است. یافته‌های این پژوهش می‌تواند برای سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان فرهنگی و نهادهای امنیتی در راستای طراحی برنامه‌های پیشگیری و مقابله با گرایش‌های افراطی در جوامع جوان، مفید واقع شود.

۱- تعریف مفاهیم و پیشینه پژوهش

۱-۱- ادبیات تحقیق

فرآیندهای شناختی: فرآیندهای شناختی شامل عملکردهای ذهنی هستند که پردازش، ذخیره‌سازی، بازیابی و استفاده از اطلاعات را در مغز انسان ممکن می‌سازند. این فرآیندها شامل توجه، ادراک، حافظه، یادگیری، استدلال، حل مسئله و تصمیم‌گیری می‌شوند. توجه، به‌عنوان اولین مرحله پردازش اطلاعات، تعیین می‌کند که کدام اطلاعات به صورت آگاهانه پردازش شوند. ادراک، مسئول تفسیر داده‌های حسی و معنا دادن به آن‌هاست. حافظه، ذخیره‌سازی و بازیابی اطلاعات را امکان‌پذیر می‌کند و نقش مهمی در یادگیری ایفا می‌کند. یادگیری شامل فرایندهایی است که از تجربه برای تغییر رفتار و دانش استفاده می‌کند. استدلال و حل مسئله نیز به توانایی افراد در تحلیل موقعیت‌ها و یافتن راه‌حل‌های مؤثر مرتبط است. این فرآیندها تحت تأثیر عوامل محیطی، زیستی و اجتماعی قرار دارند و در حوزه‌هایی مانند روان‌شناسی شناختی، علوم اعصاب شناختی و هوش مصنوعی مورد بررسی قرار می‌گیرند (Anderson, 2015: 78).

نگرش‌های رادیکال سیاسی: نگرش‌های رادیکال سیاسی به باورها و ایدئولوژی‌هایی اشاره دارند که خواستار تغییرات بنیادین در ساختارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی هستند. این نگرش‌ها معمولاً ریشه در نارضایتی‌های اجتماعی و عدم اعتماد به نهادهای حاکم دارند. رادیکالیسم سیاسی می‌تواند در قالب‌های مختلفی مانند جنبش‌های انقلابی، ایدئولوژی‌های افراطی یا سیاست‌های ضددولتی ظاهر شود. در برخی موارد، نگرش‌های رادیکال منجر به خشونت سیاسی می‌شوند، در حالی که در موارد دیگر، به عنوان ابزاری برای اصلاحات بنیادین و دموکراتیک عمل می‌کنند. عوامل مختلفی مانند شرایط اقتصادی، نابرابری‌های اجتماعی و تحولات ایدئولوژیک در شکل‌گیری و گسترش نگرش‌های رادیکال نقش دارند (McAdam, Tarrow & Tilly, 2001: 134).

جامعه‌پذیری سیاسی: جامعه‌پذیری سیاسی فرآیندی است که طی آن افراد ارزش‌ها، نگرش‌ها و باورهای سیاسی را از طریق تعامل با نهادها و گروه‌های اجتماعی کسب می‌کنند. این فرایند از دوران کودکی آغاز شده و در طول زندگی ادامه می‌یابد. خانواده، نظام آموزشی، رسانه‌ها، احزاب

نشریه شناخت پژوهی مطالعات سیاسی

سیاسی و گروه‌های اجتماعی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در جامعه‌پذیری سیاسی هستند. به‌ویژه، رسانه‌های جمعی و شبکه‌های اجتماعی امروزه نقش برجسته‌ای در شکل‌دهی به نگرش‌های سیاسی افراد ایفا می‌کنند. جامعه‌پذیری سیاسی می‌تواند در قالب‌های مختلفی همچون جامعه‌پذیری مستقیم، از طریق آموزش رسمی، و جامعه‌پذیری غیرمستقیم، از طریق تعاملات اجتماعی، صورت گیرد. این فرآیند تأثیر زیادی بر مشارکت سیاسی، رفتار رأی‌دهی و درک شهروندان از نظام سیاسی دارد (Niemi & Sobolewski, 2016: 92)

رفتار سیاسی: رفتار سیاسی شامل تمامی کنش‌ها و واکنش‌های فردی یا جمعی است که در راستای تأثیرگذاری بر نظام سیاسی انجام می‌شوند. این رفتارها طیف وسیعی از فعالیت‌ها، از رأی دادن و فعالیت‌های حزبی گرفته تا اعتراضات خیابانی و کنش‌های انقلابی، را در برمی‌گیرند. رفتار سیاسی تحت تأثیر عوامل متعددی از جمله فرهنگ سیاسی، وضعیت اقتصادی، هنجارهای اجتماعی و سطح تحصیلات قرار دارد. نظریه‌های مختلفی درباره رفتار سیاسی مطرح شده‌اند که شامل نظریه انتخاب عقلانی، نظریه جامعه‌پذیری سیاسی و نظریه‌های روان‌شناختی مانند انگیزش و شناخت اجتماعی هستند. پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه نشان داده‌اند که احساسات، هویت اجتماعی و تعلقات گروهی در شکل‌دهی رفتار سیاسی نقش کلیدی دارند (Verba, Scholzman & Brady, 1995: 156).

روان‌شناسی سیاسی: روان‌شناسی سیاسی شاخه‌ای میان‌رشته‌ای از علوم سیاسی و روان‌شناسی است که به بررسی تأثیر فرآیندهای شناختی، عاطفی و رفتاری بر تصمیمات و کنش‌های سیاسی می‌پردازد. این حوزه تلاش دارد تا عوامل روان‌شناختی مؤثر بر مشارکت سیاسی، نگرش‌های ایدئولوژیک، هویت‌های گروهی و تصمیم‌گیری‌های حکومتی را تحلیل کند. از جمله موضوعات کلیدی در روان‌شناسی سیاسی می‌توان به تأثیر ترس و ناامنی بر رفتار رأی‌دهی، نقش هویت‌های قومی و مذهبی در سیاست، و نحوه شکل‌گیری باورهای سیاسی اشاره کرد. یافته‌های این حوزه نشان داده‌اند که عواملی مانند سوگیری‌های شناختی، احساسات گروهی و تجارب شخصی می‌توانند بر گرایش‌های سیاسی و رفتار رأی‌دهی تأثیر بسزایی بگذارند (Jost & Sidanius, 2019: 48).

۱-۲- پیشینه تحقیق

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر فرآیندهای شناختی بر شکل‌گیری نگرش‌های رادیکال سیاسی در میان جوانان انجام شده است. بررسی پیشینه نشان می‌دهد که پژوهش‌های مرتبط در این زمینه به طور مستقیم به تأثیر فرآیندهای شناختی نپرداخته‌اند، اما مطالعاتی که به عوامل اجتماعی،

تأثیر فرآیندهای شناختی بر شکل‌گیری نگرش‌های سیاسی رادیکال در میان جوانان

فرهنگی و سیاسی مؤثر بر نگرش‌های جوانان پرداخته‌اند، می‌توانند به درک بهتر موضوع کمک کنند.

مطالعه «تیین جامعه‌شناختی نگرش به دموکراسی در کشورهای خاورمیانه» (Kari, 2010) با استفاده از داده‌های پیمایش جهانی ارزش‌ها، رابطه میان فرهنگ سیاسی دموکراتیک و نگرش به دموکراسی را در کشورهای خاورمیانه بررسی کرده است. نتایج نشان داد که در برخی کشورها مانند مراکش، مؤلفه‌هایی چون اهمیت سیاسی، فعالیت سیاسی، اعتماد اجتماعی، نگرش برابری جنسیتی و نگرش مدرن تأثیر مثبتی بر نگرش به دموکراسی دارند. در مقابل، در ایران و اردن، این مؤلفه‌ها بر نگرش به دموکراسی تأثیری نداشتند. در ترکیه و قبرس، نگرش‌های مدرن و حمایت از برابری جنسیتی اثر مثبت بر نگرش به دموکراسی داشتند، در حالی که در عراق و مصر، برخی شاخص‌ها مانند نگرش مدرن و استفاده از رسانه تأثیرگذار بودند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که فرهنگ سیاسی دموکراتیک در خاورمیانه عمومیت بالایی ندارد و نگرش به دموکراسی بعد عینی فرهنگ سیاسی دموکراتیک محسوب نمی‌شود.

پژوهش «زیست‌جهان مقاوم در آستانه جوانی، مطالعه فرایند شکل‌گیری انتظارات فزاینده در جوانان» (Moradi & Ruhani, 2022) با استفاده از نظریه زمینه‌ای به بررسی انتظارات فزاینده در میان جوانان پرداخته است. این پژوهش نشان داد که زیست‌جهان جوانان در آستانه جوانی با انتظارات فزاینده و مقاومت فعال همراه است. یافته‌ها نشان داد که انتظارات جوانان آنها را از سوژه‌هایی منفعل به سوژه‌هایی مقاوم و اجتماعی تبدیل می‌کند. مفاهیمی مانند فاصله نسلی ارزشی، حمایت خانواده، مقایسه تحقیرآمیز و انتظارات چندگانه از مقولات اصلی این مطالعه بودند. این مطالعه به درک فرایندهای اجتماعی مؤثر بر نگرش‌های جوانان در برابر نظام سیاسی کمک می‌کند.

علاوه بر این، مطالعات دیگری نیز در زمینه‌های مرتبط انجام شده است. پژوهش گرجیان (۱۴۰۳) به بررسی ارتباط تعامل گفتمانی با شکل‌گیری هویت دینی و اجتماعی جوانان پرداخته است. نتایج نشان داد که تعامل گفتمانی و زبان به عنوان ابزاری برای حفظ و تقویت هویت اجتماعی و دینی جوانان عمل می‌کنند. پژوهش مظفری (۱۴۰۳) تأثیر نظام آموزشی ایران را بر افزایش آگاهی سیاسی و مشارکت مدنی تحلیل کرده و نشان داده است که آموزش تاریخ و دروس اجتماعی به افزایش آگاهی سیاسی کمک می‌کند. مطالعه گلایبان، خدابی و کریمی (۱۴۰۲) نیز تأثیر پایگاه اجتماعی-اقتصادی را بر هویت اجتماعی جوانان بررسی کرده و نشان داده است که جوانانی که در

پایگاه‌های اقتصادی اجتماعی بالاتر قرار دارند، درک بهتری از شرایط اجتماعی داشته و هویت اجتماعی قوی‌تری دارند.

۲- مبانی نظری و چارچوب مفهومی

۲-۱- نظریه شناخت اجتماعی^۱

نظریه شناخت اجتماعی که توسط آلبرت بندورا^۲ (۱۹۸۶) ارائه شد، یکی از مهم‌ترین نظریات در روان‌شناسی اجتماعی و شناختی است که به بررسی چگونگی یادگیری و تأثیر محیط بر رفتارهای فرد می‌پردازد. این نظریه معتقد است که یادگیری نه تنها از طریق تجربه مستقیم بلکه از طریق مشاهده رفتار دیگران و نتایج آن نیز صورت می‌گیرد. در این فرایند، سه عنصر اصلی نقش دارند: توجه، حفظ (حافظه)، تولید رفتاری و انگیزش که به افراد اجازه می‌دهند تا رفتارهای مشاهده‌شده را یاد بگیرند و تقلید کنند.

فرآیندهای شناختی در نظریه شناخت اجتماعی و ارتباط آن با نگرش‌های رادیکال: در این نظریه، شناخت اجتماعی به‌عنوان فرایندی تعریف می‌شود که طی آن افراد اطلاعات را از محیط دریافت، پردازش و تفسیر می‌کنند. جوانان، به‌ویژه در دوران نوجوانی و اوایل بزرگسالی، تحت تأثیر محرک‌های اجتماعی و شناختی قرار دارند و نگرش‌های سیاسی آن‌ها از طریق تعامل با گروه‌های اجتماعی، رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی شکل می‌گیرد (Bandura, 1986). در این چارچوب، چند مکانیزم اصلی تأثیرگذار بر رادیکالیسم سیاسی قابل شناسایی است:

- **مدل‌سازی^۳:** جوانان رفتارها و نگرش‌های رادیکال را از طریق مشاهده افراد تأثیرگذار مانند رهبران سیاسی، شخصیت‌های رسانه‌ای یا افراد همسال در گروه‌های افراطی می‌آموزند. این فرایند یادگیری از طریق رسانه‌های اجتماعی نیز تسهیل می‌شود. به‌عنوان مثال، مشاهده مداوم محتوای رادیکال در فضای مجازی می‌تواند منجر به تقویت اعتقادات افراطی شود.
- **توجه^۴:** برای اینکه یک رفتار یاد گرفته شود، فرد باید به آن توجه کند. حوادث سیاسی، بی‌عدالتی‌های اجتماعی و روایت‌های افراطی در رسانه‌ها می‌توانند توجه جوانان را به خود

¹ Social Cognition Theory

² Albert Bandura

³ Modeling

⁴ Attention

جلب کرده و آنان را به سوی پذیرش ایدئولوژی‌های رادیکال سوق دهند (Bandura, 2001).

- **حافظه و نگهداری^۱:** جوانان، به‌ویژه آن‌هایی که در محیط‌های سیاسی و اجتماعی پرتنش زندگی می‌کنند، اطلاعات و تجربیات مربوط به بی‌عدالتی یا خشونت را در حافظه خود نگه داشته و آن را به‌عنوان الگوی رفتاری در آینده به کار می‌گیرند.
- **تولید رفتاری^۲:** اگر یک فرد بتواند رفتار مشاهده‌شده را در عمل بازتولید کند، احتمال پذیرش آن به‌عنوان یک رفتار پایدار افزایش می‌یابد. این امر در جوانانی که در گروه‌های رادیکال فعالیت دارند، بیشتر مشهود است.
- **انگیزه^۳:** انگیزه نقش مهمی در پذیرش یا رد نگرش‌های رادیکال دارد. در شرایطی که جوانان احساس کنند که وضعیت کنونی جامعه ناعادلانه است و تغییر تنها از طریق اقدامات رادیکال ممکن است، احتمال گرایش آن‌ها به دیدگاه‌های افراطی افزایش می‌یابد (Bandura, 1999).

کاربرد نظریه شناخت اجتماعی در تحلیل نگرش‌های رادیکال سیاسی: نظریه شناخت اجتماعی می‌تواند توضیح دهد که چرا برخی از جوانان نسبت به ایدئولوژی‌های رادیکال سیاسی گرایش پیدا می‌کنند. در بسیاری از موارد، مشاهده نمونه‌های موفق از افرادی که با روش‌های رادیکال به اهداف خود رسیده‌اند، می‌تواند انگیزه‌ای قوی برای تقلید این رفتارها باشد. همچنین، اگر پاداش اجتماعی (مانند حمایت از سوی گروه‌های همفکر) برای رفتارهای رادیکال وجود داشته باشد، احتمال پذیرش این نگرش‌ها افزایش می‌یابد.

۲-۲- نظریه هویت اجتماعی^۴

نظریه هویت اجتماعی که توسط هنری تاجفیل^۵ و جان ترنر^۶ (۱۹۷۹) ارائه شد، یکی از نظریه‌های مهم در روان‌شناسی اجتماعی است که توضیح می‌دهد چگونه افراد هویت خود را از طریق عضویت در گروه‌های اجتماعی شکل می‌دهند و چگونه این هویت بر نگرش‌ها و رفتارهای آن‌ها تأثیر می‌گذارد. بر اساس این نظریه، جوانانی که به گروه‌های خاصی تعلق دارند، تمایل دارند که

¹ Retention

² Reproduction

³ Motivation

⁴ Social Identity Theory

⁵ Henri Tajfel

⁶ John Turner

نگرش‌های گروه را بپذیرند و از آن دفاع کنند، حتی اگر این نگرش‌ها افراطی یا رادیکال باشند. مفاهیم کلیدی نظریه هویت اجتماعی عبارت‌اند از:

۱. **دسته‌بندی اجتماعی**^۱: افراد به‌طور طبیعی تمایل دارند که خود و دیگران را در دسته‌های مختلف گروه‌بندی کنند. در زمینه نگرش‌های سیاسی، جوانان ممکن است خود را بخشی از گروه‌هایی ببینند که هویت آن‌ها بر اساس ایدئولوژی‌های خاصی تعریف شده است، مانند گروه‌های ملی‌گرا، اسلام‌گرا، یا آنارشیست‌ها (Tajfel & Turner, 1979).

۲. **مقایسه اجتماعی**^۲: افراد دائماً خود را با گروه‌های دیگر مقایسه می‌کنند تا موقعیت اجتماعی خود را ارزیابی کنند. اگر یک جوان احساس کند که گروه اجتماعی او تحت ظلم و ستم قرار دارد، ممکن است گرایش بیشتری به نگرش‌های رادیکال داشته باشد و تغییرات سیاسی شدید را به‌عنوان راه‌حلی برای این نابرابری در نظر بگیرد (Hogg, 2006).

۳. **تمایز گروهی**^۳: زمانی که یک فرد خود را به‌عنوان عضوی از یک گروه خاص تعریف می‌کند، تمایل دارد که تفاوت‌های گروه خود را با گروه‌های دیگر پررنگ‌تر کند. این فرآیند می‌تواند منجر به شکل‌گیری تعصب و در مواردی، تقابل با گروه‌های مخالف شود. این مکانیسم می‌تواند توضیح دهد که چرا برخی از جوانان به سمت ایدئولوژی‌های افراطی کشیده می‌شوند و حتی اقدامات خشونت‌آمیز را توجیه می‌کنند (Tajfel, 1982).

تأثیر نظریه هویت اجتماعی بر نگرش‌های رادیکال سیاسی: نظریه هویت اجتماعی می‌تواند نحوه ایجاد و تقویت هویت‌های رادیکال در میان جوانان را توضیح دهد. عضویت در گروه‌های افراطی باعث می‌شود که افراد نگرش‌های گروه را بپذیرند و رفتارهایی را که در راستای ارزش‌های گروه است، اتخاذ کنند. در بسیاری از جنبش‌های سیاسی افراطی، اعضا از طریق فرآیندهای شناختی هویت جمعی خود را تقویت کرده و خود را در برابر گروه‌های دیگر به‌عنوان برتر یا مظلوم تصور می‌کنند (Reicher et al., 2016).

۲-۳- چارچوب مفهومی تحقیق

چارچوب مفهومی این پژوهش بر اساس دو نظریه کلیدی، یعنی نظریه شناخت اجتماعی و نظریه هویت اجتماعی، بنا شده است. این چارچوب تبیین می‌کند که چگونه فرآیندهای شناختی، نظیر

¹ Social Categorization

² Social Comparison

³ Intergroup Differentiation

تأثیر فرآیندهای شناختی بر شکل‌گیری نگرش‌های سیاسی رادیکال در میان جوانان

توجه، ادراک، حافظه و استدلال، در تعامل با عوامل اجتماعی و هویتی، بر شکل‌گیری نگرش‌های رادیکال سیاسی در میان جوانان اثر گذارند.

نظریه شناخت اجتماعی تأکید دارد که افراد از طریق مشاهده و پردازش اطلاعات دریافتی از محیط، به‌ویژه از طریق رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، نگرش‌های خود را شکل می‌دهند. بنابراین، نحوه پردازش این اطلاعات و میزان سوگیری‌های شناختی می‌تواند در شکل‌گیری نگرش‌های رادیکال مؤثر باشد. از سوی دیگر، نظریه هویت اجتماعی بر این نکته تأکید دارد که احساس تعلق به یک گروه خاص و فرایندهای مقایسه اجتماعی می‌تواند بر نگرش‌های سیاسی تأثیر بگذارد. به‌ویژه در شرایطی که فرد احساس طردشدگی یا تبعیض را تجربه کند، احتمال اتخاذ مواضع رادیکال افزایش می‌یابد.

در مدل مفهومی این پژوهش، متغیرهای شناختی شامل توجه، ادراک، حافظه و استدلال به‌عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته می‌شوند. این متغیرها تحت تأثیر عوامل محیطی و رسانه‌ای قرار دارند که می‌توانند نوع و نحوه پردازش اطلاعات را جهت‌دهی کنند. در این میان، هویت اجتماعی به‌عنوان یک متغیر میانجی عمل می‌کند که می‌تواند تأثیر فرآیندهای شناختی بر شکل‌گیری نگرش‌های رادیکال را تعدیل یا تشدید کند. افراد دارای هویت گروهی قوی‌تر، در معرض تأثیرات شناختی بیشتری قرار می‌گیرند که می‌تواند منجر به پذیرش ایدئولوژی‌های افراطی شود. زمانی که فرد به یک گروه اجتماعی خاص احساس تعلق می‌کند، احتمال دارد که اطلاعات را به‌صورت گزینشی پردازش کرده و به سمت تأیید باورهای گروهی خود گرایش پیدا کند. در چنین شرایطی، تعصبات شناختی همچون اثر تأیید^۱ و تفکر دوقطبی^۲ شدت می‌یابند و موجب می‌شوند که فرد مواضع رادیکال‌تری اتخاذ کند.

علاوه بر این، عوامل زمینه‌ای همچون تأثیر رسانه‌های افراطی، تبعیض اجتماعی، فشار گروه‌های سیاسی و بحران‌های اقتصادی می‌توانند این فرآیند را تشدید کنند. رسانه‌های افراطی از طریق برجسته‌سازی برخی موضوعات و ارائه اطلاعات جهت‌دار، در ایجاد و تقویت نگرش‌های رادیکال مؤثرند. از سوی دیگر، تجربه تبعیض و احساس نابرابری اجتماعی می‌تواند موجب افزایش نارضایتی و در نتیجه گرایش به دیدگاه‌های افراطی شود. همچنین، فشار گروه‌های سیاسی، به‌ویژه در محیط‌های ناپایدار سیاسی، نقش مهمی در شکل‌گیری این نگرش‌ها دارد. بحران‌های اقتصادی نیز با

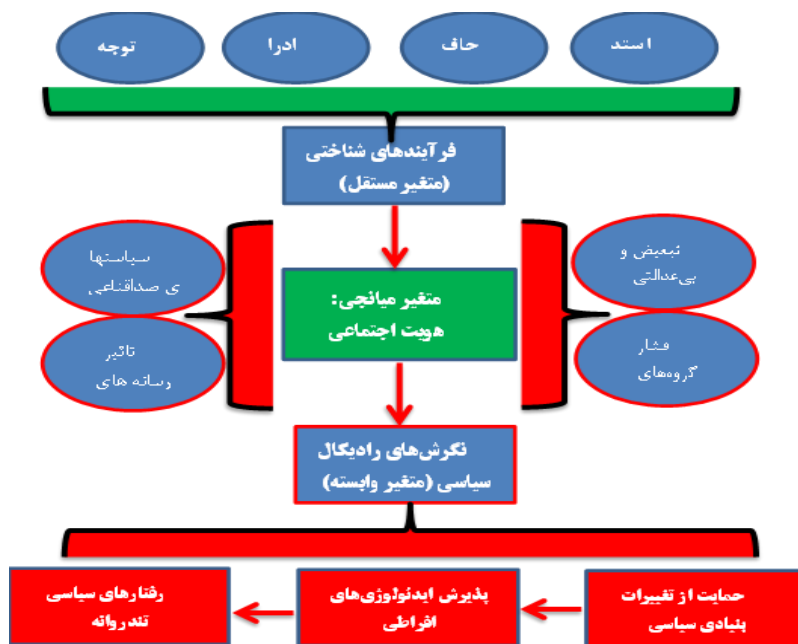
¹ confirmation bias

² black-and-white thinking

نشریه شناخت پژوهی مطالعات سیاسی

ایجاد ناامنی اجتماعی، به احساس نارضایتی دامن زده و زمینه پذیرش گفتمان‌های رادیکال را فراهم می‌کند.

با این حال، برخی عوامل تعدیل‌کننده نظیر سواد رسانه‌ای، آموزش سیاسی، و تعاملات بین‌گروهی می‌توانند از شدت این فرآیند بکاهند. افرادی که دارای سواد رسانه‌ای بالاتر هستند، توانایی تفکیک اطلاعات صحیح از نادرست را داشته و کمتر تحت تأثیر پروپاگاندا‌های افراطی قرار می‌گیرند. آموزش سیاسی، با تقویت تفکر انتقادی و افزایش آگاهی نسبت به پیچیدگی‌های مسائل اجتماعی و سیاسی، می‌تواند از قطبی‌شدن نگرش‌ها جلوگیری کند. همچنین، تعاملات بین‌گروهی و مواجهه مستقیم با افراد دارای دیدگاه‌های متفاوت، موجب کاهش تعصبات شناختی شده و به تساهل و مدارا در فضای اجتماعی کمک می‌کند. در مجموع، مدل مفهومی این پژوهش نشان می‌دهد که تعامل میان فرآیندهای شناختی، هویت اجتماعی، عوامل زمینه‌ای و تعدیل‌کننده‌ها، در شکل‌گیری یا کاهش نگرش‌های رادیکال سیاسی نقش کلیدی ایفا می‌کند.



نمودار-۱. مدل مفهومی پژوهش

این نمودار مدل مفهومی پژوهش را نشان می‌دهد که در آن تأثیر فرآیندهای شناختی (شامل توجه، ادراک، حافظه و استدلال) بر شکل‌گیری نگرش‌های رادیکال سیاسی از طریق متغیر میانجی هویت اجتماعی بررسی شده است. همچنین، نقش عوامل تشدیدکننده مانند رسانه‌های افراطی،

تأثیر فرآیندهای شناختی بر شکل‌گیری نگرش‌های سیاسی رادیکال در میان جوانان

تبعیض اجتماعی، فشار گروه‌های سیاسی و بحران‌های اقتصادی در افزایش این نگرش‌ها، و تأثیر عوامل تعدیل‌کننده همچون سواد رسانه‌ای، آموزش سیاسی و تعاملات بین‌گروهی در کاهش آن نمایش داده شده است.

۳- روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق این پژوهش مبتنی بر رویکرد کیفی و استفاده از نظریه زمینه‌ای (گراند تئوری) است که به‌عنوان یکی از روش‌های استقرایی در علوم اجتماعی به کار می‌رود. این روش به پژوهشگر امکان می‌دهد تا از داده‌های تجربی به‌منظور استخراج مفاهیم و نظریه‌های جدید استفاده کند. در این تحقیق، هدف اصلی، شناسایی و تحلیل فرآیندهای شناختی تأثیرگذار بر شکل‌گیری نگرش‌های رادیکال سیاسی در میان جوانان است. از آنجا که این موضوع دارای پیچیدگی‌های شناختی، روان‌شناختی و اجتماعی است، استفاده از روش کیفی و تحلیل زمینه‌ای به‌عنوان رویکردی مناسب انتخاب شده است.

جامعه آماری این پژوهش شامل پژوهشگران و اساتیدی است که تجربه بررسی یا مطالعه نگرش‌های سیاسی در طیف‌های اعتدال‌گرایی تا رادیکالیسم را دارند. به‌منظور جمع‌آوری داده‌ها، از روش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شده است. این نوع مصاحبه امکان بررسی عمیق تجربیات و دیدگاه‌های مصاحبه‌شوندگان را فراهم می‌کند و به پژوهشگر این امکان را می‌دهد تا علاوه بر سؤالات اولیه، در جریان مصاحبه به موضوعات جدید نیز بپردازد. نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند انجام شده و از جوانانی که دارای دیدگاه‌های سیاسی قوی یا سابقه فعالیت در گروه‌های سیاسی بوده‌اند، دعوت به مصاحبه شده است. همچنین، به‌منظور افزایش اعتبار داده‌ها، برخی از متخصصان حوزه شناختی و علوم سیاسی نیز مورد مصاحبه قرار گرفته‌اند.

داده‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه‌ها بر اساس سه مرحله کدگذاری در روش گراند تئوری تحلیل شده‌اند. مرحله اول، کدگذاری باز است که در آن مفاهیم اصلی از داده‌های خام استخراج می‌شود. پژوهشگر با مرور مکرر مصاحبه‌ها، واحدهای معنایی را شناسایی کرده و آن‌ها را به کدهای مفهومی تقسیم می‌کند؛ مرحله دوم، کدگذاری محوری انجام شده که در آن ارتباطات میان کدهای مفهومی مشخص و دسته‌بندی می‌شوند تا مقوله‌های اصلی پژوهش پدیدار شوند؛ مرحله سوم، کدگذاری گزینشی صورت می‌گیرد که طی آن مفاهیم اصلی و فرعی در قالب یک مدل نظری

نشریه شناخت پژوهی مطالعات سیاسی

سازمان‌دهی شده و نظریه‌نمایی ارائه می‌شود. این سه مرحله به پژوهشگر کمک می‌کند تا الگوی تأثیرگذاری فرآیندهای شناختی بر نگرش‌های رادیکال را استخراج و تبیین کند. به‌منظور افزایش روایی و پایایی تحقیق، از استراتژی‌هایی مانند بررسی توسط هم‌تایان علمی، بازبینی داده‌ها توسط مشارکت‌کنندگان و مقایسه نتایج با یافته‌های مطالعات مشابه استفاده شده است. علاوه بر این، برای رعایت اصول اخلاقی پژوهش، تمامی مصاحبه‌شوندگان به‌صورت داوطلبانه شرکت کرده‌اند و هویت آن‌ها محرمانه باقی مانده است. پیش از انجام مصاحبه‌ها، هدف پژوهش برای مشارکت‌کنندگان توضیح داده شده و رضایت آگاهانه آن‌ها اخذ شده است. انتخاب روش گراندد تئوری به پژوهشگر این امکان را می‌دهد که بدون پیش‌فرض‌های نظری از داده‌های تجربی به سمت تدوین یک نظریه مبتنی بر واقعیت‌های اجتماعی حرکت کند. از آنجاکه نگرش‌های رادیکال سیاسی محصول تعاملات پیچیده بین عوامل شناختی، اجتماعی و محیطی هستند، این روش به‌عنوان ابزاری مناسب برای کشف ساختارهای پنهان در شکل‌گیری نگرش‌های رادیکال به کار رفته است. نتایج این پژوهش می‌تواند به درک بهتر سیاست‌گذاران و پژوهشگران اجتماعی از نحوه شکل‌گیری و تقویت نگرش‌های افراطی در میان جوانان کمک کند و در طراحی برنامه‌های پیشگیری از رادیکالیسم سیاسی مورد استفاده قرار گیرد.

۴- یافته‌ها و تحلیل

۴-۱- مشخصات مصاحبه‌شونده‌ها

برای انجام مصاحبه، مشخصات ۱۵ نفر از مشارکت‌کنندگان به‌گونه‌ای طراحی شده است که شامل گروه‌های مختلفی از جمله کنشگران سیاسی، فعالان فضای مجازی، شخصیت‌های رسانه‌ای، اساتید علوم سیاسی و سایر گروه‌های مرتبط باشد. جدول زیر شامل مشخصات پیشنهادی افراد برای مصاحبه است:

جدول-۱. مشخصات مصاحبه‌شونده‌ها

شماره	سن	جنسیت	تحصیلات	شغل	درآمد تقریبی	حوزه فعالیت	سابقه فعالیت سیاسی / رسانه‌ای
۱	۲۸	مرد	کارشناسی ارشد علوم سیاسی	روزنامه‌نگار	متوسط	رسانه	تحلیل‌گر مسائل سیاسی

تأثیر فرآیندهای شناختی بر شکل‌گیری نگرش‌های سیاسی رادیکال در میان جوانان

شماره	سن	جنسیت	تحصیلات	شغل	درآمد تقریبی	حوزه فعالیت	سابقه فعالیت سیاسی / رسانه‌ای
۲	۳۵	زن	دکتری جامعه‌شناسی سیاسی	استاد دانشگاه	بالا	دانشگاه	تدریس و پژوهش در حوزه رادیکالیسم
۳	۲۲	مرد	کارشناسی علوم سیاسی	فعال فضای مجازی	متوسط	شبکه‌های اجتماعی	تولید محتوای سیاسی در اینستاگرام و تلگرام
۴	۴۰	مرد	دکتری علوم سیاسی	استاد دانشگاه	بالا	دانشگاه	پژوهشگر حوزه رفتار سیاسی
۵	۳۰	زن	کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگی	خبرنگار سیاسی	متوسط	رسانه	گزارشگر مسائل سیاسی و اجتماعی
۶	۲۵	مرد	کارشناسی ارتباطات	فعال فضای مجازی	متوسط	فضای مجازی	مدیریت کانال تلگرامی سیاسی
۷	۳۸	مرد	دکتری روابط بین‌الملل	دیپلمات سابق	بالا	سیاست خارجی	تحلیل‌گر سیاسی بین‌المللی
۸	۲۹	زن	کارشناسی ارشد علوم اجتماعی	تحلیل‌گر رسانه	متوسط	رسانه	پژوهشگر تحلیل گفتمان رسانه‌ها
۹	۳۲	مرد	کارشناسی ارشد علوم سیاسی	عضو یک حزب سیاسی	متوسط	احزاب سیاسی	فعالیت در انتخابات و کمپین‌ها
۱۰	۲۴	زن	کارشناسی ارشد مطالعات اجتماعی	پژوهشگر مستقل	پایین	پژوهش	تحلیل رفتارهای اجتماعی جوانان
۱۱	۳۶	مرد	دکتری علوم سیاسی	استاد دانشگاه	بالا	دانشگاه	نویسنده مقالات سیاسی
۱۲	۲۷	مرد	کارشناسی علوم ارتباطات	مجری تلویزیونی	بالا	رسانه	اجرای برنامه‌های سیاسی تلویزیونی
۱۳	۳۳	زن	دکتری روان‌شناسی سیاسی	استاد دانشگاه	بالا	دانشگاه	پژوهشگر در زمینه شناخت و سیاست
۱۴	۲۶	مرد	کارشناسی علوم اجتماعی	فعال فضای مجازی	متوسط	شبکه‌های اجتماعی	تولیدکننده محتوای تحلیل سیاسی در یوتیوب

نشریه شناخت پژوهی مطالعات سیاسی

شماره	نسبت	جنسیت	تحصیلات	شغل	درآمد تقریبی	حوزه فعالیت	سابقه فعالیت سیاسی / رسانه‌ای
۱۵	۳۹	زن	دکتری علوم سیاسی	نویسنده و تحلیل‌گر	بالا	رسانه	نگارش مقالات در روزنامه‌ها و مجلات سیاسی

پژوهش حاضر با انجام مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۱۵ نفر از گروه‌های مختلف شامل اساتید علوم سیاسی (۴ نفر)، کنشگران سیاسی و حزبی (۲ نفر)، فعالان رسانه‌ای و روزنامه‌نگاران (۳ نفر)، فعالان فضای مجازی (۳ نفر)، شخصیت‌های رسانه‌ای (۲ نفر) و پژوهشگر روان‌شناسی سیاسی (۱ نفر) به بررسی تأثیر فرآیندهای شناختی بر نگرش‌های رادیکال سیاسی در میان جوانان پرداخته است. شرکت‌کنندگان در بازه سنی ۲۲ تا ۴۰ سال قرار دارند و از نظر جنسیت شامل ۹ مرد و ۶ زن هستند. سطح تحصیلات آن‌ها عمدتاً کارشناسی ارشد و دکتری در رشته‌های علوم سیاسی، جامعه‌شناسی و ارتباطات است. وضعیت اقتصادی آن‌ها در سه سطح درآمدی بالا (۵ نفر)، متوسط (۷ نفر) و پایین (۳ نفر) دسته‌بندی شده است. این ترکیب متنوع امکان بررسی علمی، تجربی و رسانه‌ای رادیکالیسم سیاسی و تأثیر فرآیندهای شناختی را از دیدگاه‌های مختلف فراهم کرده است.

۴-۲- تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها

جدول زیر شامل تحلیل داده‌های مصاحبه بر اساس روش نظریه زمینه‌ای (گراندد تئوری) است. در این روش، داده‌ها در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی تحلیل شده‌اند. این جدول توسعه‌یافته و شامل کدهای باز بیشتری از پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان است:

مرحله	کدگذاری باز (مفاهیم استخراج شده از پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان)	کدگذاری محوری (مقوله‌های اصلی)	کدگذاری گزینشی (مفهوم مرکزی)
تجزیه و تحلیل محتوای سیاسی و رسانه‌ای	بمباران اطلاعاتی، اخبار جعلی، شبکه‌های اجتماعی، روایت‌های قطبی‌شده، تبلیغات سیاسی، تحلیل‌های سطحی، هیجان‌سازی رسانه‌ای، برجسته‌سازی بحران‌ها، بزرگ‌نمایی تهدیدات، استفاده از الگوریتم‌های رسانه‌ای برای ترویج محتواهای خاص، نادیده گرفتن اطلاعات مخالف، جذب به صفحات و گروه‌های هم‌فکر	تأثیر رسانه‌ها بر شناخت سیاسی و ادراک از واقعیت	نقش رسانه‌ها در شکل‌گیری نگرش‌های رادیکال

تأثیر فرآیندهای شناختی بر شکل‌گیری نگرش‌های سیاسی رادیکال در میان جوانان

مرحله	کدگذاری باز (مفاهیم استخراج شده از پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان)	کدگذاری محوری (مقوله‌های اصلی)	کدگذاری گزینشی (مفهوم مرکزی)
جامعه‌پذیری سیاسی و تأثیر محیط اجتماعی	تأثیر خانواده در انتقال نگرش‌های سیاسی، همسان‌سازی نگرش‌های سیاسی در گروه‌های دوستی، فشار گروه‌های همسالان، نظام آموزشی و نوع آموزش تاریخ و سیاست، تأثیر محافل دانشگاهی، نقش احزاب و تشکل‌های سیاسی در هدایت نگرش‌ها، تجربه حضور در اعتراضات، تعاملات با گروه‌های مخالف، استفاده از تجربیات سیاسی گذشته برای تحلیل شرایط کنونی، نارضایتی از وضعیت موجود، تأثیر محیط کار بر نگرش سیاسی	نقش تعاملات اجتماعی و آموزشی در شکل‌گیری نگرش‌ها	تأثیر جامعه‌پذیری بر جهت‌گیری سیاسی
احساس محرومیت و بی‌عدالتی	تجربه نابرابری اقتصادی، فساد و تبعیض ساختاری، فاصله طبقاتی، احساس به‌حاشیه‌راندگی، بی‌اعتمادی به دولت، سرخوردگی از نهادهای مدنی، احساس عدم تأثیرگذاری در تصمیمات سیاسی، مشاهده موفقیت افراد وابسته به قدرت، مقایسه وضعیت خود با افراد در کشورهای دیگر، بی‌عدالتی در تخصیص منابع، محدودیت آزادی بیان و سرکوب اعتراضات، تبعیض جنسیتی و قومیتی، بی‌توجهی حکومت به خواسته‌های مردم، تضعیف اعتماد اجتماعی، ناامیدی نسبت به تغییر از طریق سازوکارهای رسمی	احساس نابرابری و ناامیدی و تأثیر آن بر نگرش‌های سیاسی	تأثیر نارضایتی اجتماعی بر افراط‌گرایی
سوگیری شناختی و پردازش اطلاعات	سوگیری تأییدی (انتخاب اطلاعاتی که باورهای پیشین را تأیید کند)، تفکر سیاه و سفید (دوگانه‌سازی مسائل سیاسی)، پردازش هیجانی (واکنش‌های احساسی نسبت به مسائل سیاسی)، عدم تحمل ابهام (گرایش به تحلیل‌های ساده و قطعی)، تأثیر خاطرات و تجربیات منفی بر قضاوت‌های سیاسی، ترجیح منابع اطلاعاتی خاص، گزینشی خواندن اخبار، حساسیت به روایت‌های توطئه‌محور، تقویت حس قربانی بودن، تصویرسازی دشمن، کاهش تحمل نسبت به مخالفان سیاسی	نقش فرآیندهای شناختی در پذیرش ایدئولوژی‌های افراطی	تأثیر ساختارهای ذهنی در جهت‌دهی به نگرش‌های سیاسی

نشریه شناخت پژوهی مطالعات سیاسی

مرحله	کدگذاری باز (مفاهیم استخراج شده از پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان)	کدگذاری محوری (مقوله‌های اصلی)	کدگذاری گزینشی (مفهوم مرکزی)
هویت‌یابی گروهی و انسجام اجتماعی	احساس تعلق به گروه‌های هم‌فکر، نفرت از گروه‌های مخالف، تعریف هویت ملی بر اساس مخالفت با دیگران، ترویج «ما در برابر آن‌ها»، الگوبرداری از شخصیت‌های تاریخی یا سیاسی رادیکال، استفاده از ادبیات و نمادهای خاص در هویت‌یابی، گرایش به گروه‌هایی که حس حمایت و همدلی می‌دهند، مقاومت در برابر تغییرات ایدئولوژیک، تجربه تحقیر یا احساس نادیده گرفته شدن از سوی دیگر گروه‌ها، تاکید بر حفظ ارزش‌های سنتی، درونی‌سازی هویت گروهی به‌عنوان بخشی از باورهای شخصی	تأثیر هویت اجتماعی بر رفتارهای سیاسی	هویت‌سازی و انسجام گروهی در تقویت نگرش‌های افراطی
رفتار سیاسی و کنشگری	مشارکت در اعتراضات خیابانی، پیوستن به گروه‌های افراطی، کنش‌های نمادین مانند شعارنویسی، درگیری فیزیکی با مخالفان، استفاده از روش‌های نوین اعتراض، فعالیت در فضای مجازی برای انتشار دیدگاه‌های رادیکال، تحریم انتخابات و نهادهای حکومتی، تلاش برای ایجاد تغییر از طریق شبکه‌سازی، مشارکت در تجمعات اعتراضی، دفاع از اقدامات خشونت‌آمیز، گرایش به فعالیت‌های مخفیانه یا غیررسمی، ترویج ایده‌های افراطی در بین گروه‌های هم‌فکر	اشکال بروز نگرش‌های رادیکال در کنش‌های اجتماعی و سیاسی	تبدیل نگرش رادیکال به کنش سیاسی

نتایج مصاحبه‌های انجام شده نشان می‌دهد که فرآیندهای شناختی تأثیر چشمگیری بر شکل‌گیری نگرش‌های رادیکال سیاسی در میان جوانان دارند. این فرآیندها از طریق رسانه‌ها، جامعه‌پذیری، احساس محرومیت، سوگیری‌های شناختی و هویت‌یابی گروهی، به تدریج نگرش‌های افراطی را در برخی از جوانان تقویت کرده و در نهایت، این نگرش‌ها می‌توانند به کنش‌های سیاسی رادیکال منجر شوند.

- **نقش رسانه‌ها در شکل‌گیری نگرش‌های رادیکال:** یکی از مهم‌ترین یافته‌ها، تأثیر عمیق رسانه‌ها، به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی، در جهت‌دهی به نگرش‌های سیاسی جوانان است. بسیاری از مصاحبه‌شوندگان اشاره کردند که بمباران اطلاعاتی، برجسته‌سازی بحران‌ها، تولید اخبار جعلی و روایت‌های قطبی‌شده در رسانه‌های جمعی، زمینه را برای شکل‌گیری

تأثیر فرآیندهای شناختی بر شکل‌گیری نگرش‌های سیاسی رادیکال در میان جوانان

نگرش‌های افراطی فراهم می‌کند. برخی از پاسخ‌دهندگان بر این باور بودند که الگوریتم‌های شبکه‌های اجتماعی باعث می‌شوند افراد بیشتر در معرض محتوایی قرار بگیرند که باورهای پیشین آن‌ها را تأیید می‌کند و این مسئله به ایجاد اتاق‌های پژواک اطلاعاتی منجر شده است. همچنین، بزرگ‌نمایی تهدیدات و ارائه تحلیل‌های سطحی از مسائل سیاسی موجب شده است که برخی از جوانان به دیدگاه‌های رادیکال‌تر تمایل پیدا کنند.

- **تأثیر جامعه‌پذیری سیاسی و محیط اجتماعی:** پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان نشان داد که فرآیند جامعه‌پذیری نقش کلیدی در جهت‌دهی به نگرش‌های سیاسی دارد. خانواده، گروه‌های همسالان، نظام آموزشی و احزاب سیاسی به عنوان عوامل مهم در شکل‌گیری این نگرش‌ها شناسایی شدند. برخی از مصاحبه‌شوندگان بیان کردند که در خانواده‌هایی که گرایش‌های افراطی سیاسی دارند، احتمال پذیرش نگرش‌های رادیکال توسط فرزندان بیشتر است. همچنین، تأثیر محیط‌های دانشگاهی و محافل سیاسی بر نگرش‌های رادیکال برخی از جوانان مورد تأیید قرار گرفت. این موضوع در میان افرادی که در اعتراضات و جنبش‌های سیاسی مشارکت داشته‌اند، بیشتر دیده می‌شود.

- **احساس محرومیت و نابرابری به عنوان محرک رادیکالیسم:** احساس بی‌عدالتی و نارضایتی از شرایط اقتصادی و اجتماعی، عاملی مهم در شکل‌گیری نگرش‌های افراطی شناخته شد. بسیاری از جوانان مصاحبه‌شده اظهار داشتند که تجربه تبعیض اقتصادی، فساد، بی‌اعتمادی به دولت و سرخوردگی از نهادهای مدنی، آن‌ها را به سمت نگرش‌های رادیکال سوق داده است. برخی از پاسخ‌دهندگان تأکید کردند که مشاهده موفقیت افرادی که با قدرت ارتباط دارند، در کنار عدم فرصت‌های برابر برای عموم، به افزایش حس نارضایتی و پذیرش گفتمان‌های افراطی منجر شده است.

- **نقش سوگیری‌های شناختی در پذیرش ایدئولوژی‌های افراطی:** نتایج مصاحبه‌ها نشان داد که سوگیری‌های شناختی در میان جوانانی که نگرش‌های رادیکال دارند، بسیار شایع است. برخی از مصاحبه‌شوندگان اشاره کردند که آن‌ها بیشتر به اطلاعاتی توجه می‌کنند که باورهای پیشینشان را تأیید کند (سوگیری تأییدی). همچنین، تفکر سیاه و سفید، که در آن مسائل سیاسی تنها در دو قطب خیر و شر تفسیر می‌شود، در میان جوانان رادیکال بیشتر دیده می‌شود. پردازش هیجانی و واکنش‌های شدید عاطفی نسبت به مسائل

نشریه شناخت پژوهی مطالعات سیاسی

سیاسی، از دیگر ویژگی‌های شناختی این گروه است. این عوامل باعث شده است که جوانان در برابر تحلیل‌های جایگزین مقاوم باشند و صرفاً به منابع اطلاعاتی خاص اعتماد کنند.

- **هویت‌یابی گروهی و انسجام اجتماعی در گرایش به رادیکالیسم:** فرآیند هویت‌یابی و تعلق گروهی نیز یکی از عوامل مهم در شکل‌گیری نگرش‌های رادیکال است. یافته‌ها نشان داد که بسیاری از جوانان با عضویت در گروه‌های هم‌فکر، هویت سیاسی خود را تعریف می‌کنند و به تدریج از گروه‌های مخالف فاصله می‌گیرند. در میان مصاحبه‌شوندگان، برخی تأکید داشتند که دشمن‌سازی و تقویت حس «ما در برابر آن‌ها» باعث انسجام بیشتر گروه‌های افراطی شده است. این افراد اغلب از شخصیت‌های تاریخی یا سیاسی خاص الگو می‌گیرند و نمادهای ویژه‌ای را برای تقویت هویت گروهی خود به کار می‌برند.

- **تبدیل نگرش‌های رادیکال به کنش‌های سیاسی:** یافته‌های این پژوهش نشان داد که نگرش‌های افراطی در برخی از موارد به کنش‌های سیاسی و اجتماعی تبدیل می‌شوند. مصاحبه‌شوندگان به اقداماتی مانند شرکت در اعتراضات خیابانی، پیوستن به گروه‌های افراطی، کنش‌های نمادین مانند شعارنویسی، درگیری‌های خیابانی و تحریم نهادهای حکومتی اشاره کردند. برخی نیز تأکید داشتند که فعالیت در فضای مجازی به عنوان جایگزینی برای کنش‌های فیزیکی عمل کرده و به انتشار دیدگاه‌های رادیکال در بین گروه‌های هم‌فکر منجر شده است.

در نهایت مصاحبه‌ها نشان دادند که فرآیندهای شناختی نقش کلیدی در شکل‌گیری نگرش‌های رادیکال سیاسی در میان جوانان دارند. رسانه‌ها و فضای مجازی از طریق الگوریتم‌های هدفمند و بمباران اطلاعاتی، باعث تشدید نگرش‌های افراطی می‌شوند. جامعه‌پذیری سیاسی و محیط اجتماعی نیز در انتقال نگرش‌های رادیکال مؤثر بوده و تجربه تبعیض و نابرابری، انگیزه‌ای برای پذیرش گفتمان‌های افراطی فراهم کرده است. همچنین، سوگیری‌های شناختی مانند تفکر سیاه و سفید، سوگیری تأییدی و پردازش هیجانی در میان جوانانی که نگرش‌های رادیکال دارند، مشهود است. این عوامل در کنار هویت‌یابی گروهی، در برخی موارد منجر به کنش‌های سیاسی افراطی از جمله اعتراضات خیابانی یا پیوستن به گروه‌های رادیکال شده‌اند.

۳-۴- پیامدهای گسترش نگرش‌های رادیکال سیاسی

رادیکالیسم سیاسی به‌عنوان یکی از پیامدهای تحولات اجتماعی و شناختی، می‌تواند تأثیرات گسترده‌ای بر پایداری جوامع داشته باشد. هنگامی که نگرش‌های افراطی در میان گروه‌های مختلف به‌ویژه جوانان گسترش می‌یابد، نه تنها ثبات اجتماعی و سیاسی به چالش کشیده می‌شود، بلکه ساختارهای حاکمیتی و ارتباطات اجتماعی نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرند. در ادامه، به بررسی پیامدهای عمده گسترش نگرش‌های رادیکال سیاسی پرداخته می‌شود.

- **افزایش بی‌ثباتی اجتماعی و سیاسی:** جوانانی که نگرش‌های رادیکال پیدا می‌کنند، مستعد مشارکت در اعتراضات خشونت‌آمیز، تحریم نهادهای رسمی و اقدامات اعتراضی غیرقانونی هستند. این وضعیت می‌تواند منجر به تنش‌های داخلی، افزایش درگیری‌های خیابانی و تضعیف ثبات اجتماعی شود.
- **تضعیف اعتماد عمومی به حکومت:** احساس بی‌عدالتی و سوگیری‌های شناختی که منجر به پذیرش ایدئولوژی‌های افراطی می‌شوند، می‌توانند اعتماد عمومی به نهادهای حاکم را کاهش دهند. این کاهش اعتماد، همراه با فضای دو قطبی رسانه‌ای، باعث تقویت گفتمان‌های اعتراضی و تضعیف مشارکت سیاسی می‌شود.
- **نفوذ بیشتر رسانه‌های معاند و گروه‌های اپوزیسیون:** فضای مجازی و رسانه‌های معاند، از طریق بمباران اطلاعاتی و روایت‌های قطبی‌شده، تلاش می‌کنند جوانان را به سوی دیدگاه‌های افراطی سوق دهند. هرچه نگرش‌های رادیکال در جامعه افزایش یابد، زمینه برای تأثیرگذاری این رسانه‌ها و شبکه‌های برانداز نیز بیشتر فراهم خواهد شد.
- **کاهش سرمایه اجتماعی و انسجام ملی:** یکی از مهم‌ترین پیامدهای گرایش به رادیکالیسم سیاسی، تقویت شکاف‌های اجتماعی و ایجاد دو قطبی‌های شدید در جامعه است. کاهش تحمل سیاسی و افزایش خشونت کلامی و فیزیکی میان گروه‌های مختلف، می‌تواند به تضعیف سرمایه اجتماعی و گسست در هویت ملی منجر شود.

۴-۴- راهکارهای مقابله با گسترش نگرش‌های رادیکال سیاسی

با توجه به پیامدهای ذکر شده، لازم است که سیاست‌گذاران و نهادهای تصمیم‌گیر در جمهوری اسلامی ایران، مجموعه‌ای از اقدامات هماهنگ را برای کاهش اثرات این پدیده اتخاذ کنند. این اقدامات می‌تواند شامل اصلاحات در حوزه‌های آموزشی، رسانه‌ای، فرهنگی و سیاسی باشد.

تقویت سواد رسانه‌ای و مقابله با روایت‌های افراطی: یکی از مهم‌ترین راهکارها، آموزش مهارت‌های تفکر انتقادی و سواد رسانه‌ای به جوانان است تا بتوانند اخبار جعلی، پروپاگاندا و تحلیل‌های سطحی را از اطلاعات واقعی تفکیک کنند. این اقدام می‌تواند از طریق برنامه‌های درسی مدارس و دانشگاه‌ها، دوره‌های آموزشی در رسانه‌های عمومی و حتی کمپین‌های آگاهی‌بخشی در فضای مجازی انجام شود. همچنین، باید راهبردهای رسانه‌ای جمهوری اسلامی به گونه‌ای تنظیم شوند که بتوانند روایت‌های جذاب و مستند را برای خنثی‌سازی تبلیغات رسانه‌های معاند تولید کنند.

تقویت نهادهای مدنی و گسترش فضای گفت‌وگوی سیاسی سالم: یکی از دلایل گرایش به نگرش‌های افراطی، احساس سرکوب و نبودن فضاهای مناسب برای بیان دیدگاه‌ها است. ایجاد بسترهای گفت‌وگوی آزاد در چارچوب نظام جمهوری اسلامی، از طریق حمایت از نهادهای مدنی، برگزاری مناظرات سیاسی و تشویق جوانان به مشارکت در فرآیندهای تصمیم‌گیری، می‌تواند به کاهش این احساس و جذب جوانان به گفتمان‌های اعتدالی کمک کند.

بهبود وضعیت اقتصادی و کاهش نابرابری‌ها: بسیاری از جوانانی که به سوی نگرش‌های رادیکال سوق پیدا می‌کنند، از مشکلات اقتصادی، بیکاری و نابرابری‌های اجتماعی رنج می‌برند. دولت باید از طریق اصلاح سیاست‌های اقتصادی، بهبود وضعیت اشتغال، ایجاد فرصت‌های برابر و حمایت از قشرهای کم‌برخوردار، احساس عدالت را در جامعه تقویت کند. این اقدامات می‌تواند نقش مهمی در کاهش انگیزه‌های رادیکالیزه شدن ایفا کند.

مقابله با نفوذ رسانه‌های معاند از طریق تقویت رسانه‌های داخلی: رسانه‌های داخلی باید با تولید محتوای جذاب و مستند، بتوانند فضای اقناع عمومی را تقویت کرده و از سلطه رسانه‌های معاند بر ذهنیت جوانان جلوگیری کنند. برنامه‌هایی که به تحلیل منصفانه مسائل سیاسی می‌پردازند، می‌توانند نقش مهمی در تعدیل نگرش‌های افراطی داشته باشند. همچنین، تولید مستندها، گفتگوهای تحلیلی و برنامه‌های تعاملی در تلویزیون و شبکه‌های اجتماعی داخلی باید در اولویت قرار گیرد.

اصلاح سیستم آموزشی و گنجانیدن مباحث مرتبط با روان‌شناسی شناختی و تفکر انتقادی: سیستم آموزشی کشور باید مهارت‌هایی را به جوانان بیاموزد که بتوانند تفکر سیاه و سفید، سوگیری شناختی و پذیرش تحلیل‌های سطحی را کنار بگذارند. آموزش روش‌های تحلیل مسائل سیاسی، تقویت فرهنگ مدارا و افزایش توانایی نقد رسانه‌ای از طریق محتوای آموزشی مناسب، می‌تواند در این مسیر مؤثر باشد.

تأثیر فرآیندهای شناختی بر شکل‌گیری نگرش‌های سیاسی رادیکال در میان جوانان

حمایت از فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی معتدل: ایجاد برنامه‌هایی که جوانان را به سمت فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی غیرسیاسی هدایت کند، می‌تواند بخشی از انرژی اجتماعی آن‌ها را در مسیرهای مثبت هدایت کند. جشنواره‌های فرهنگی، برنامه‌های مذهبی و هنری، اردوهای دانشجویی و پروژه‌های اجتماعی، می‌توانند به تقویت روحیه همگرایی کمک کنند و از شکل‌گیری گسل‌های رادیکال در جامعه جلوگیری نمایند.

راهکارهای اختصاصی برای جمهوری اسلامی ایران:

- **بازتعریف گفتمان انقلاب اسلامی برای نسل جدید:** باید گفتمان انقلاب اسلامی به گونه‌ای برای نسل جدید بازتعریف شود که در برابر روایت‌های رادیکال، یک الگوی منطقی و مبتنی بر عدالت‌خواهی ارائه دهد. نهادهای فرهنگی و مذهبی باید تلاش کنند مفاهیم عدالت، استقلال و پیشرفت را در یک چارچوب واقع‌گرایانه و کاربردی برای جوانان مطرح کنند.
- **استفاده از ظرفیت بسیج و نهادهای انقلابی در کاهش افراط‌گرایی:** نهادهایی مانند بسیج و انجمن‌های اسلامی دانشجویان، می‌توانند با هدایت جوانان به فعالیت‌های فکری و فرهنگی سالم، زمینه‌های گرایش به نگرش‌های افراطی را کاهش دهند. برگزاری نشست‌های فکری، گفتگوهای بین‌جریانی و آموزش سواد رسانه‌ای در این نهادها می‌تواند نقش مهمی ایفا کند.
- **رصد و تحلیل دقیق جریان‌های فکری افراطی در فضای مجازی:** سازمان‌های امنیتی و اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران باید به‌طور مداوم تحولات فکری جریان‌های رادیکال در فضای مجازی را رصد کرده و با استفاده از تحلیل‌های علمی، راهکارهای مناسب برای مقابله با آن‌ها را طراحی کنند. ایجاد نهادهای نظارتی بر محتوای فضای مجازی، همراه با ارائه محتوای جایگزین قوی، می‌تواند به کاهش تأثیرگذاری این جریان‌ها کمک کند.

جمع‌بندی

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که فرآیندهای شناختی تأثیر عمیقی بر شکل‌گیری نگرش‌های رادیکال سیاسی دارند. تحلیل‌های انجام‌شده بیانگر آن است که نحوه پردازش اطلاعات، سوگیری‌های شناختی و الگوهای فکری دوگانه، در کنار تأثیرات هیجانی و اجتماعی، می‌توانند زمینه را برای پذیرش ایدئولوژی‌های افراطی فراهم کنند. درواقع، افرادی که در معرض اطلاعات

نشریه شناخت پژوهی مطالعات سیاسی

جهت‌دار و قطبی‌شده قرار می‌گیرند، به‌ویژه در محیط‌هایی که تنش‌های اجتماعی و اقتصادی حاکم است، بیشتر در معرض گرایش به نگرش‌های رادیکال هستند. این گرایش می‌تواند تحت تأثیر احساس تهدید، تعلق گروهی و ادراک نابرابری تقویت شود و به رفتارهای سیاسی افراطی منجر گردد.

از سوی دیگر، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که فضای مجازی و رسانه‌های معاند از طریق بمباران اطلاعاتی، چارچوب‌بندی‌های جهت‌دار، و ترویج روایت‌های قطبی‌شده، تأثیر بسزایی در شکل‌گیری و تثبیت نگرش‌های رادیکال دارند. این رسانه‌ها با استفاده از الگوهای شناختی افراد، محتوایی را منتشر می‌کنند که موجب تعمیق دوقطبی‌های سیاسی و کاهش تحمل نسبت به دیدگاه‌های مخالف می‌شود. در نتیجه، بسترهای لازم برای افزایش ناآرامی‌های اجتماعی، کاهش مشارکت سیاسی سازنده، و تضعیف اعتماد عمومی به نهادهای حاکم فراهم می‌گردد.

پیامدهای گسترش نگرش‌های رادیکال سیاسی متعدد است و شامل افزایش بی‌ثباتی اجتماعی و سیاسی، تضعیف اعتماد عمومی به حکومت، نفوذ بیشتر رسانه‌های معاند و گروه‌های اپوزیسیون، و کاهش سرمایه اجتماعی و انسجام ملی می‌شود. این پدیده می‌تواند موجب تشدید خشونت‌های خیابانی، گسترش اعتراضات غیرقانونی، و در نهایت، افزایش فاصله بین مردم و حاکمیت گردد. با توجه به این خطرات، ضروری است که سیاست‌گذاران و نهادهای مرتبط با امنیت اجتماعی و فرهنگی، اقدامات مؤثری در جهت مدیریت و کنترل این پدیده اتخاذ کنند.

بر اساس این نتایج، پیشنهاد می‌شود که راهکارهای عملی برای مقابله با افراط‌گرایی شناختی مورد توجه قرار گیرند. از جمله این راهکارها می‌توان به تقویت سواد رسانه‌ای و تفکر انتقادی در میان جوانان، کاهش سوگیری‌های شناختی از طریق آموزش‌های علمی، ایجاد بسترهای مناسب برای گفتگوهای سیاسی سالم، و افزایش شفافیت در اطلاع‌رسانی‌های رسمی اشاره کرد. همچنین، تدوین سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی که به کاهش احساس نابرابری و افزایش حس تعلق اجتماعی کمک کند، می‌تواند در کاهش زمینه‌های شکل‌گیری نگرش‌های رادیکال مؤثر باشد. در نهایت، پژوهش‌های آینده می‌توانند به بررسی دقیق‌تر نقش عوامل فردی و محیطی در تشدید یا کاهش رادیکالیسم سیاسی پرداخته و راهکارهای اجرایی دقیق‌تری برای مقابله با این پدیده ارائه دهند.

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان، مقاله پیش‌رو فاقد هر گونه تعارض منافع بوده است.

Translated References to English

- Anderson, J.R. (2015). *Cognitive Psychology and Its Implications*. Worth Publishers. <https://www.scirp.org/reference/referencespapers?referenceid=3432544>
- Bandura, A. (1986) *Social Foundations of Thought and Action: A Social Cognitive Theory*. Prentice-Hall.
- Bandura, A. (1999) Social cognitive theory: An agentic perspective. *Asian Journal of Social Psychology*, 2(1), 21–41.
- Bandura, A. (2001). Social cognitive theory of mass communication. *Media Psychology*, 3(3), 265-299.
- Gorjian, B. (2024) The relationship between discursive interaction and the formation of religious and social identity of youth. Source: *Sociological Research*, 18 Spring 1403, No. 1 (63 in a row). [In Persian]
- Golabiyan, B., Khoddamy, A., Karimi, M.R.(2024). Examining the model of the influence of socio-economic base on the social identity of young people. *Sociological Researches*,4(1),47-65. [In Persian]
- Hogg, M.A. (2006). *Social Identity Theory*. Contemporary Social Psychological Theories.
- Jost, J.T., Sidanius, J. (2019). *Political Psychology: Key Readings*. Psychology Press. DOI<https://doi.org/10.4324/9780203505984>
- Kari, F.A. (2010). Sociological explanation of attitudes towards democracy in Middle Eastern countries. Ministry of Science, Research and Technology, University of Isfahan, Faculty of Literature and Humanities. [In Persian]
- McAdam, D., Tarrow, S., Tilly, C. (2001). *Dynamics of Contention*. Cambridge University Press.
- Moradi, S., Ruhani, A. (2022). Resistant Life-World at the Threshold of Youth: Studying the Formation Process of Exceeding Expectations in Young Adults. *Strategic Research on Social Problems*, 11(3), 115-138. [In Persian]
- Mozaffari, L., Mozaffari, S. (2014). The impact of the Iranian educational system on increasing political awareness and civic participation. The first international conference on modern studies in psychology, educational sciences, social sciences and education. [In Persian]
- Niemi, R.G., Sobolewski, J. (2016). The Development of Political Attitudes and Behaviour Among Young Adults. *Australian Journal of Political Science* 47(1):31-54.
- Reicher, S., Haslam, S.A., Rath, R. (2016). Making the past present: Historical continuity and collective identification. *American Psychologist*, 71(3), 180-193.
- Tajfel, H., Turner, J.C. (1979). An Integrative Theory of Intergroup Conflict. In W. G. Austin & S. Worchel (Eds.), *The Social Psychology of Intergroup Relations* (pp. 33-47). Brooks/Cole.
- Tajfel, H. (1982). *Social Identity and Intergroup Relations*. Cambridge University Press.
- Verba, S., Schlozman, K.L., Brady, H.E. (1995). *Voice and Equality: Civic Voluntarism in American Politics*. Published by: Harvard University Press. <https://doi.org/10.2307/j.ctv1pnc1k7>